

دعای سی و هفتم صحیفه سجادیه

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا.

خدایا! کسی از شکر گزاریت در حالی از احوال، به نهایت شکر نمی رسد جز این که از احسانت نعمتی به دست می آورد، که او را به شکری دیگر وا می دارد.

و لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

و از آن جا که نعمتت پیوسته و پی در پی به بندگان می رسد، پس کسی را قدرت بر شکر نیست، و از اطاعتت گرچه تلاش و کوشش کند به اندازه ای نمی رسد، جز این که در برابر شایستگی ات، به سبب فضل و احسانت، ناتوان از طاعت است؛

فَأَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَ أَعْبُدُكَ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِكَ

بنابر این سپاس گزارترین بندگان از سپاسگزاریت عاجز، و عابدترین ایشان، از اطاعتت ناتوان است.

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَ لَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ

کسی شایسته آن نیست که به خاطر مستحق بودنش او را بیامیزی، و به سبب سزاوار بودنش از او خشنود شوی،

فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبَطُولِكَ، وَ مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

هر که را بیامیزی به احسانت آمرزیده ای و از هر که خشنود شوی، به فضلت خشنود شده ای،

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ، وَ تَنْثِيْبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تَطَاعُ فِيهِ حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أُوجِبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ وَ أَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتَطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَارَيْتَهُمْ!

عمل اندکی را که پذیرفته ای جزا می دهی، و بر اندک چیزی که اطاعت شده ای پاداش عنایت می کنی، تا آن جا که گویی سپاسگزاری بندگان که پاداششان را بر آن واجب کرده ای و جزای ایشان را از آن بزرگ ساخته ای، کاری است، که بدون قدرت دادن تو بر باز ایستادن از آن توانمند بودند، و از این جهت پاداششان دادی، اما اینان قدرت باز ایستادن از شکر تو را بدون تو ندارند، ولی با آنها هم چون کسی که قدرت باز ایستادن دارد معامله کردی، یا انگار می کنی سبب آن شکر به دست تو نبوده، و به این خاطر اجرشان دادی؛ ولی این طور نیست،

بَلْ مَلَكَتْ- يَا إِلَهِي- أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ، وَ أَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالَ، وَ عَادَتَكَ الْإِحْسَانَ، وَ سَبِيلَكَ الْغَفُورَ

بلکه ای خدای من! مالک کار ایشان بودی، پیش از این که آنان مالک عبادت تو شوند، و مزدشان را آماده کردی، پیش از آن که وارد طاعت و بندگی تو شوند، و آن برای این است که روش تو عطا کردن، و عادتت احسان، و راهت گذشت است.

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَ شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَى مَنْ عَافَيْتَ، وَ كُلُّ مُقَرَّرٍ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

همه آفریده هایت اعتراف دارند که تو درباره هر که عقوبت کنی ستمکار نیستی، و شاهدند که هر که را از بلا عافیت دهی، در حقش احسان کرده ای، و همه درباره خویشتن به تقصیر و کوتاهی کردن نسبت به آنچه سزاوار آنی معترفند؛

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

بنابراین چنانچه شیطان ایشان را برای منصرف کردن از طاعتت نفریبد، هیچ عصیان گری تو را معصیت نکند، و اگر باطل را در نظرشان، مانند حق جلوه ندهد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نشود.

فَسُبْحَانَكَ! مَا أَبَيَّنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مِّنْ أَطَاعِكَ أَوْ عَصَاكَ: تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ، وَ تُمْلِي لِلْعَاصِي فِيمَا تَمْلِكُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ.

منزه و پاکی، چه آشکار و روشن است بزرگواریت در معامله با کسی که تو را اطاعت کرده، یا از تو سرپیچی نموده. مطیع را در برابر آنچه، خود برایش فراهم آورده ای پاداش می دهی، و معصیت کار را که تعجیل کیفرش در اختیار توست، به امید تو و بازگشت مهلت می دهی،

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ، وَ تَفَضَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ.

به هر یک از مطیع و عاصی عطایی کرده ای که سزاوار آن نیستند، و به هر یک احسانی فرموده ای که عملش از آن کوتاه است.

وَ لَوْ كَافَأْتَ الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لِأَوْشَكَ أَنْ يَفْقَدَ ثَوَابَكَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ، وَ لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمُدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ.

اگر مطیع را نسبت به نعمتی که به او دادی مقابل به مثل می کردی؛ یعنی برابر هر نعمتی عملی از او می خواستی، نزدیک بود که پاداشت را نیابد، و نعمتت از او زایل شود؛ ولی حضرتت به بزرگواریت در برابر مدت کوتاه از دست رفتنی، که در آن به بندگیت برخاسته، به مدتی طولانی و همیشگی، و در مقابل مدت نزدیک گذرا، به مدت دامنه دار جاوید پاداشت دادی.

ثُمَّ لَمْ تَسْمَهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفَرَتِكَ، وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَةُ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصَّغْرِى مِنْ أَبَايِكَ وَ مِنْكَ، وَ لَبَقِيَ رَهْبِنًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعَمِكَ، فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ لَا! مَتَى!

سپس در برابر رزقی که از سفره نعمتت خورده، تا به سبب آن بر بندگیت نیرو گیرد، قیمت و عوض نخواستی، و از او نسبت به ابزاری که به کار بردن آنها را سبب رسیدن به مغفرتت قرار داده، بازرسی و حسابرسی دقیق نکردی، و اگر با بنده مطیعت چنین رفتار می کردی، رنجی را که در راه عبادت کشیده بود، و تمام کوششی که در مسیر طاعت به دوش جان برداشته بود، در برابر کوچک ترین نعمت ها، و عطاهايت از دست می رفت، و در پیشگاهت به خاطر دیگر نعمت هایت تا ابد بدهکار تو می ماند، و در گرو طلب کاری تو قرار می گرفت. روی این حساب چه زمانی شایستگی چیزی از ثواب تو را پیدا می کرد؟! نه هیچ گاه.

هَذَا- يَا إِلَهِي- حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ، وَ سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ، فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمَوَاقِعَ نَهَيْكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَنْبِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ لَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعَصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ.

ای خدای من! این حال و روز کسی است که از تو فرمان برده، و راه کسی است که تو را عبادت کرده، اما کسی که از فرمانت روی گردانده، و مرتکب گناه شده، در رساندن عذاب و کیفرت به او شتاب نکردی، به خاطر این که وضعش را در نافرمانیت، به حال برگشتنش به بندگیت تغییر دهد، و محققاً در اول کاری که آهنگ نافرمانی تو کرد، همه عذاب هایت را که برای تمام بندگان آماده ساخته ای مستحق می شد؛

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرَكَ مِنْ حَقِّكَ، وَ رَضِيَ بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی را که از او به تأخیر انداختی، و هر مجازات سخت و کیفری که از او بازداشتی، حق مسلم و قطعی خود، و خشنودی به کمتر چیزی است که برای تو واجب و ثابت است.

فَمَنْ أَكْرَمُ- يَا إِلَهِي- مِنْكَ، وَ مَنْ أَشَقَى مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ لَا! مَنْ فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَ كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، لَا يُخْشَى جَوْرُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَ لَا يُخَافُ إِغْفَاكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِي أَمَلِي، وَ زِدْنِي مِنْ هَذَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ.

پس ای خدای من! کریم تر از تو کیست؟ و بدبخت تر از کسی که به سبب مخالفت با تو هلاک شد چه کسی است؟ نه هیچ کس؟ پس تو والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی، و پاک تر از آنی که جز عدالت را بترسند. بیم ستمکاریت بر گناهکار نمی رود، و ترس وا گذاشتن پاداش کسی که تو را خشنود کرده، در میان نیست؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را آرزو دارم، به من ببخش و هدایتت را بر من افزون کن؛ به گونه ای که به سبب آن به توفیق در عمل برسم. همانا تو بسیار نعمت دهنده بزرگواری.